

واکاوی جایگاه و اعتبار زیارتنامه امام رضا علیه السلام

سیدمصطفی مناقب^۱ و سیدجلال رضوی زادگان^۲

چکیده

زیارتنامه حضرت رضا علیه السلام که بین عوام مردم و خواص مشهور و در کتاب‌های حدیثی و معرفتی ذکر شده است، علاوه بر جایگاه خاص آن در ارتباط عاطفی بین امام و مأموم، به عنوان منبعی سرشار از آموزه‌های معرفتی در جنبه‌های گوناگون اعتقادی و اخلاقی شناخته می‌شود. اما با مراجعه به متون حدیثی ذکرکننده این زیارتنامه، در نگاه اول در موضوع مأثور بودن آن تردید می‌شود. با این وصف به لحاظ غیر فقهی بودن این حدیث (زیارتنامه)، به جایگاه و اعتبار حدیثی آن کمتر توجه شده است. ولی با توجه به قواعد حدیثی - مانند برخی بررسی‌های سندی و رجالی، دأب عالمان بر تسامح در ادله سنن، تأکید مؤلفان کتاب‌های زیارات بر استفاده از منابع معتبر، شهرت روایی و تلقی به قبول شدن طی قرون و بالأخره علو مضمون و قوت متن - می‌توان بر اعتبار حدیثی این زیارتنامه و مأثور بودن آن دلیل اقامه کرد و با این اثبات عملاً می‌توان بسیاری از زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم السلام را نیز در عداد احادیث مأثور و مقبول قرار داد.

کلید واژه‌ها: زیارت، زیارتنامه مأثور، اهل بیت علیهم السلام، امام رضا علیه السلام، اعتبار.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، ایران. (نویسنده، مسئول)
(dr.managheb@gmail.com)

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، ایران. (sjrazavizadegan@yahoo.com)

مقدمه و بیان مسئله

زیارتنامه‌های معصومین (علیهم‌السلام) یکی از انواع تراث حدیثی است که بر خلاف بقیه احادیث که معمولاً جهت خطاب آن از سوی امام به مأموم است، در این دسته روایات، خطاب از سوی مأموم به امام است. در این زیارات علاوه بر مطرح شدن مباحث امامت، ولایت، تبرا و تولا و همچنین ایجاد فضایی عاشقانه و مناجات‌گونه بین زائر و مزور و ایجاد فضایی احساسی و پرشور بین امام و مأموم، و مراد و مرید مدرسه‌ای است سرشار از انواع معارف الهی و مباحث عقیدتی، معنوی و حماسی.

قرآن کریم به مسئله زیارت توجه و اشاره کرده است. کلمه «زور» و مشتقات آن در قرآن کریم شش مرتبه ذکر شده که تنها در آیه دو سوره تکاثر ﴿حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ﴾ در معنای زیارت آمده است. مفسران در معنای آیه، دو قول را مطرح می‌کنند: یکی از آنها یاد کردن و زیارت کردن مردگان، و دیگری به معنای مرگ (طوسی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰، ص ۴۰۲).

آیه دیگری که به زیارت قبور اشاره کرده است، آیه ۸۴ سوره توبه است: ﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ﴾؛ «و هرگز بر هیچ مرده‌ای از آنان نماز مگزار و بر سر قبرش نایست».

از این آیه استفاده می‌شود که ایستادن در کنار قبور مؤمنان و دعا برای آنها جایز است؛ زیرا نهی در آیه مختص منافقان است؛ بنابراین مفهوم آیه این می‌شود که زیارت قبور مؤمنان، یعنی ایستادن کنار قبرهای آنان و دعا کردن، جایز است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۸، ص ۷۲).

علاوه بر قرآن کریم با بررسی متون روایی، به‌خصوص در مکتب تشیع، به وضوح اهمیت زیارت قبور اهل بیت (علیهم‌السلام) و حرکت به سمت ایشان برای زیارت، عرض ارادت و اطاعت دیده می‌شود. این اهمیت تا جایی است که در روایات از زیارت به عنوان «تمام‌کننده وفای به عهد با امام و حُسن ادای آن» یاد

شده و حتی کمال حج به «لقای امام» تعبیر شده است (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۹، ص ۲۴۷).

توجه خاص به زیارت و ترغیب ویژه مسلمانان به زیارت امام علیه السلام را نیز می‌توان در عبارتهایی که زیارت معصومین علیهم السلام را مانند «زیارت خدا» معرفی کرده است، مشاهده کرد.

زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا لِمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ «كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴).

از طرفی این زیارت در برخی روایات رنگ و جوب گرفته و برخی دیگر از روایات از ترک آن به شدت حذر داده شده است تا جایی که در صورت ترک زیارت حرم نبوی، والی مسلمین می‌بایست مردم را به این کار واداشته و هزینه سفر را تأمین کند.

مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ وَغَيْرِهِمْ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَوْ أَنَّ النَّاسَ تَرَكَوا الْحُجَّ، لَكَانَ عَلَى الْوَالِي أَنْ يُجْبِرَهُمْ عَلَى ذَلِكَ وَعَلَى الْمَقَامِ عِنْدَهُ، وَ لَوْ تَرَكَوا زِيَارَةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لَكَانَ عَلَى الْوَالِي أَنْ يُجْبِرَهُمْ عَلَى ذَلِكَ وَعَلَى الْمَقَامِ عِنْدَهُ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ أَمْوَالٌ، أَنْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۸، ص ۲۲۹).

معاویة بن عمار از امام صادق علیه السلام چنین نقل می‌کند که حضرت فرمودند: اگر مردم حج را ترک کنند حاکم اسلامی باید آنان را بر انجام حج و حضور کنار خانه خدا وادار سازد و اگر مردم زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله را ترک کنند حاکم اسلامی باید آنان را به زیارت قبر نبی و بودن در کنار مرقد وادار سازد و اگر مردم توان مالی ندارند حاکم از بیت‌المال مسلمین هزینه آنها را بدهد.

زیارتنامه‌ها هرچند جزئی از بدنه حدیثی محسوب می‌شوند و گاه به صورت مجزا در قالب کتاب‌های غیر حدیثی با عناوینی چون مزار، مصباح یا مفتاح منتشر شده‌اند، اما با توجه به اینکه در جرگه احادیث فقهی و حتی اعتقادی قرار نمی‌گیرند، به بررسی اعتبار حدیثی آن کمتر توجه شده است؛

بنابراین گاه مورد طعن و بی‌مهری قرار می‌گیرند تا جایی که گاه از لحاظ انتساب و اصالت در آنها تردید می‌شود.

با مراجعه به منابعی که زیارتنامه امام رضا (ع) را نقل کرده‌اند - مانند برخی کتب اربعه شیعه و همچنین مزارات مشهور - مشاهده می‌شود که این زیارتنامه به امام معصوم (ع) اسناد داده نشده است؛ این مسئله باعث ایجاد تردیدهایی در میزان اعتبار این زیارتنامه می‌شود. تا جایی که ممکن است این زیارت شریف را از عداد زیارتنامه ماثور خارج کند و این موضوع باعث ایجاد برخی تبعات خواهد شد؛ از جمله اینکه بعضی صاحب‌نظران خواندن زیارات غیر ماثوره که از اهل بیت (ع) صادر نشده را خارج از ادب و حرمت لازم می‌دانند و می‌گویند که چه بسا موجب وهن نیز باشد (واعظ جوادی، ۱۳۸۸ش، ص ۲۰۲).

این تردیدها در خصوص زیارات مشهوری چون زیارت جامعه و زیارت عاشورا نیز وجود دارد. البته اندیشمندان در رابطه با شبهه‌زدایی و پاسخ به اعتبار حدیثی زیارات مذکور تلاش کرده و پاسخ‌های درخوری را بیان کرده‌اند. اما در رابطه با زیارت امام رضا (ع) کار ویژه‌ای صورت نگرفته است.

این نوشتار با رجوع به ادله حدیثی سعی بر اثبات اعتبار زیارتنامه امام علی بن موسی الرضا (ع) و جلب اعتماد بیشتر به این تراش گران‌قیمت حدیثی دارد. از جمله این ادله می‌توان به قاعده تسامح در ادله سنن یا احادیث «من بلغ» (با رعایت شرط تطابق با مبانی کتاب و سنت) و همچنین بررسی شمولیت زیارات در عداد احادیث معتبر اشاره کرد. در این رهگذار با اثبات اعتبار این زیارتنامه، عملاً راه اثبات اعتبار کلیت زیارتنامه‌های ماثور هموار شده و مبانی اعتباربخشی به زیارات ماثور مستند می‌شود.

پیشینه

در بحث اعتبار زیارتنامه‌ها ضرورت بررسی و اعتبارسنجی در خصوص سند هرکدام از زیارات به اندازه احادیث فقهی و اعتقادی نیست. البته در

کتاب‌های معروف و معتبر حاوی زیارات، سعی شده از منابع معتبر نقل و دقت کافی در این زمینه انجام شود. این موضوع با نگاهی در این کتاب‌ها و مشاهده تأکید آنها بر سندیت زیارات منقول بیشتر مشخص می‌شود. تا جایی که در مزارهایی مانند *کامل‌الزیارات*، مزار شیخ مفید و ابن مشهدی به ذکر سلسله‌سند قبل از ذکر زیارت‌ها پرداخته می‌شود یا در بعضی از کتاب‌های حدیثی و مزارات، قبل از ذکر برخی زیارات به طور ویژه به اعتبار سندی آنها پرداخته شده است. اما به طور کلی به بحث‌های سندی و رجالی درباره زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم‌السلام توجه نشده، مگر درباره برخی زیارات مشهور شیعه، مانند زیارت جامعه کبیره و زیارت عاشورا که بعضاً محل مناقشه و بحث در جوامع علمی بوده است. با تتبع در کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها مشخص شد که به بررسی سندی و اعتبار زیارت امام رضا علیه‌السلام توجه ویژه نشده است.

واژه‌شناسی

زیارت در لغت از واژه «الزَّوْرُ» به معنای سینه یا وسط سینه گرفته شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۳۷۹)؛ به همین دلیل «زُورْتُ فلاناً»، یعنی «او را سینه‌به‌سینه ملاقات کردم» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۸۶). همچنین «الزَّوْرُ» به معنای میل و قصد ذکر شده و معنای زیارت در عرف نیز به معنای قصد مزور کردن برای اکرام و تعظیم او، و استیناس و آرامش یافتن به وسیله او بیان شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۳۴). مجمع‌البحرین این قصد را همراه با التجا می‌داند: «وَفِي الدُّعَاءِ اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ زُوَّارِكَ بِالْوَاوِ الْمَشْدَدَةِ، أَيِ مَنْ الْقَاصِدِينَ لِكَ الْمَلْتَجِّينَ إِلَيْكَ» (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۳۱۹).

همین‌طور که واضح است معنای عرفی «زیارت» نیز ریشه در اصل لغوی آن دارد. بنابراین مفهوم واژه «زیارت»، با معنای واژه‌هایی مانند رؤیت،^۱ مشاهده^۱ و

۱. (رُؤْيَةٌ) الْعَيْنُ مُعَايَنَتُهَا لِلشَّيْءِ (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۴۷) و أما البصر بالعین فهو رُؤْيَةٌ (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۳۱۰).

إبصار^۲ متفاوت است؛ زیرا در این واژه‌ها، تنها مفهوم دیدار منظور است، ولی در واژه «زیارت»، دیدار همراه با میل، التجا، انس، تعظیم و اکرام، مد نظر است. زیارت در معنای اصطلاحی و عرفی به معنای «به دیدار کسی یا جایی یا حرم مقدسی رفتن و نیز دیدار پیامبر یا امام، در حال حیات، یا پس از وفات و شهادت» بوده است (محدثی، ۱۳۹۰ش، ص ۳۷) و به معنای زیارتنامه نیز بیان می‌شود: زیارتنامه متنی است که هنگام زیارت یکی از معصومین (ع) خطاب به آنان خوانده می‌شود؛ مثل زیارت عاشورا، زیارت جامعه کبیره و ... به کتابچه و جزوهای هم که مشتمل بر این متن باشد و در حرم‌ها خوانده شود نیز «زیارتنامه» گفته می‌شود (محدثی، ۱۳۹۰ش، ص ۴۴).

انواع زیارتنامه از لحاظ سند

زیارتنامه‌های موجود از لحاظ سند و مستند بودن به دو دسته ماثور و غیر ماثور تقسیم بندی می‌شوند.

زیارتنامه‌ای که از معصوم (ع) نقل شده را «زیارتنامه ماثور» و زیارتنامه‌ای که از غیر معصوم بیان شده را «زیارتنامه غیر ماثور» می‌گویند (محدثی، ۱۳۹۰ش، ص ۴۳).

موضوع زیارتنامه غیر ماثور تقریباً مشخص است و تنها باید دقت شود به جای زیارتنامه ماثور محسوب نشود. علامه مجلسی در خصوص این گونه زیارات می‌نویسد: «بسیاری از زیارات مضمون آن است که از تألیفات علما - رضوان الله علیهم - است» (مجلسی، ۱۳۸۶ش، ص ۴) برخی صاحب نظران خواندن زیارات غیر ماثوره که از اهل بیت (ع) صادر نشده و غیر معصوم آنها را

۱. مُشَاهَدَةُ الْبَصْرِ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۶۶) (شَاهِدْتُهُ) (مُشَاهَدَةٌ) وَيُثَلُّ عَائِنَهُ مُعَايَنَةٌ وَرُئَاً وَ مَعْنَى (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۲۵).

۲. أَبْصَرْتُهُ بِرُؤْيَةِ الْعَيْنِ إِبْصَارًا (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۲۲۶).

القا کرده را خارج از ادب و حرمت لازم دانسته و بیان می‌دارند که چه بسا موجب وهن نیز باشد (واعظ جوادی، ۱۳۸۸ش، ص ۲۰۲).

با مراجعه به کتاب‌های حدیثی و مزارها می‌توان برای زیارتنامه مأثور چهار حالت را مشاهده کرد:

۱. زیارتنامه‌هایی که به صورت مستند از معصوم علیه السلام نقل شده است که جدای از مباحث رجالی، به سبب اتصال سندی مأثور محسوب می‌شوند.

۲. زیارتنامه‌هایی که در کتاب‌های معتبر نقل شده، اما صاحب کتاب منبع آن را مشخص نکرده است؛ برای نمونه کلینی در باب زیارت ائمه بقیع علیهم السلام، زیارتی را بدون ذکر سند نقل می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۵۹). این زیارت در *کامل الزیارات* با سند نقل می‌شود، اما انتهای سند باز هم به صورت مبهم آورده شده است: «وَعَنْهُ عَنْ سَلَمَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ هِشَامٍ [هَاشِمٍ] عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمْ [أَحَدِهِمَا] قَالَ: إِذَا أَتَيْتَ قُبُورَ الْأَئِمَّةِ» (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۵۳). مجلسی ضمن بیان سند مذکور از *کامل الزیارات*، احتمال داده است این زیارت در ادامه روایت قبل از این روایت باشد (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۹، ص ۲۰۰)، همین‌گونه که مشخص است نمی‌توان این زیارتنامه را به طور اطمینان بخشی، مأثور خواند، اما با توجه به درج در کافی و شاهی که از *کامل الزیارات* وجود دارد، نمی‌توان آن را جزء زیارات غیر مأثور طبقه‌بندی کرد. به همین صورت بقیه زیارات مندرج در کتاب‌های معتبر، که دلیلی بر غیر مأثور نبودن آنها نمی‌توان یافت، را نمی‌توان از شمول مأثور بودن خارج کرد. البته در مواردی مانند زیارات نقل شده در کتاب *من لایحضره الفقیه* این عدم ذکر سند به روش مؤلف بر می‌گردد. هرچند شیخ صدوق برخی زیارات خود را که در *من لایحضره الفقیه* بدون ذکر منبع آورده است در کتاب‌های دیگر، نظیر *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، با سند نقل کرده است.

۳. زیارتنامه‌هایی که سلسله‌سند به یک کتاب خاص و موثق متصل می‌شود و با توجه به اعتماد روایت‌کنندگان و صاحبان کتاب، به آن کتاب و وثاقت

راوی و کتاب مروی عنه بین علما و رجالیون، می‌توان آنها را هم جزء زیارتنامه‌های مأثور به حساب آورد.

زیارت مشهور امام رضا علیه السلام نیز - که در بسیاری از کتاب‌های حدیثی و مزارهای معتبر نقل شده ولی سلسله‌سندش به امام نرسیده و در برخی کتاب‌ها در رأس سندش به کتاب جامع بن ولید مستند شده است - در این دسته تعریف می‌شود که در ادامه به سند آن پرداخته می‌شود. این‌گونه زیارات را نیز به دلیل اعتماد علما به منبع نقل زیارتنامه، نمی‌توان غیر مأثور قلمداد کرد؛ چنانکه مجلسی نیز به این موضوع اذعان کرده و بیان می‌کند: «ظاهر این است ابن ولید آن را از زیارات منقول ائمه هدی علیهم السلام جمع‌آوری کرده باشد» (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۹، ص ۲۲۲).

۴. زیارتنامه‌هایی که به دلیل نظر خاص عالمان بر مأثور بودن یا نبودن آنها، درجه اعتماد به آنها کاهش می‌یابد ولی باز هم، به همان دلایل قبلی، از شمول مأثور بودن خارج نمی‌شود. مجلسی در خصوص زیارت ناحیه مقدسه ضمن تأکید بر این مطلب، که این زیارت «منقوله مرویه» است، می‌نویسد: «اما با توجه به اختلاف روایاتی که در این مورد وجود دارد، ظاهراً سید مرتضی این زیارت را اخذ کرده و از جانب خودش به آن افزوده است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۸، ص ۳۲۸).

معرفی زیارتنامه امام رضا علیه السلام و بررسی سندی آن

این زیارتنامه، که به زیارتنامه دوره حرم امام رضا علیه السلام نیز مشهور بوده و در حال حاضر در کتاب زیارتنامه موجود در حرم نورانشان وجود دارد، از چند بخش تشکیل شده است. در ابتدا با مقدمات قبل زیارت - که شامل غسل زیارت و ادعیه و اذکار مربوطه (ادعیه هنگام خروج از منزل، اذکار و حالات حرکت به سمت حرم مطهر امام علیه السلام) - آغاز می‌شود و سپس با عبارات مقدماتی زیارت، عبارات مخصوص زیارت روبه‌روی ضریح آن حضرت و عبارات

مخصوص زیارت و دعا نزد سر و پای مبارک آن حضرت ادامه یافته، و در نهایت با نماز زیارت و دعا به پایان می‌رسد.

این زیارتنامه که در بسیاری از کتاب‌های حدیثی (از جمله کتاب من لایحضره الفقیه و تهذیب) و مزارهای معتبر (از جمله کامل الزیارات، مزار شیخ مفید و ...) نقل شده است، سلسله‌سندش به امام علیه السلام نرسیده و در برخی کتب در رأس سندش به کتاب جامع ابن ولید مستند شده است.

شیخ طوسی در ابتدای نقل این زیارت، آن را به نقل از کتاب جامع ابن ولید می‌آورد: «ذَكَرَ هَذِهِ الزِّيَارَةَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ الْقُمِّيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي كِتَابِهِ الْمُتَرْجَمِ بِالْجَامِعِ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۸۶). هرچند شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه این زیارت را بدون درج سند آورده است (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۰۲)، ولی در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام این زیارت را با نقل منبع آن آورده و می‌نویسد: «ذَكَرَهَا شَيْخُنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ فِي جَامِعِهِ» (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۲۶۷) و این در حالی است که ابن قولویه ضمن ذکر زیارت، صرفاً به عبارت «وَرُوِيَ عَنْ بَعْضِهِمْ» (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۳۰۹) در ابتدای نقل بسنده می‌کند.

شیخ مفید، شهید اول و ابن مشهدی این زیارت را بدون ذکر سند و به صورت مختصرتر آورده‌اند: «تقف على القبر فتصلي على رسول الله صلی الله علیه و آله و أمير المؤمنين و فاطمة و الحسن و الحسين و الائمة واحدا واحدا إلى آخرهم علیهم السلام، ثم تجلس عند رأسه علیه السلام فتقول: السلام عليك يا ولي الله...» (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۹۷).

معرفی ابن ولید و کتاب جامع او

نجاشی ضمن بیان شرح حال ابوجعفر محمد بن الحسن بن أحمد بن الولید، او را شیخ علمای اهل قم و فقیه و بزرگ ایشان معرفی کرده و با عبارت «ثقة ثقة» وثاقت وی را تأکید کرده است و دو کتاب برای او ذکر می‌کند: کتاب تفسیر القرآن و کتاب الجامع (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۸۳).

شیخ طوسی نیز او را جلیل‌القدر، آشنا به رجال و فردی موثق دانسته و او را صاحب چند کتاب عنوان می‌کند (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۳۷).
 شیخ صدوق، که شاگرد ابن ولید بوده، در افکار خود تحت تأثیر وی قرار داشته و روایات فراوانی را از او نقل کرده است (خویی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۶۲).
 صدوق در مقدمه کتاب *من لایحضره الفقیه* ضمن تأکید بر صحت هر آنچه در کتابش آورده، برخی کتب مورد استناد خود در بیان روایات را ذکر کرده و کتاب جامع استادش، ابن ولید، را در آن فهرست آورده است (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴). آقابزرگ طهرانی وجود این کتاب را تا زمان علامه مجلسی تأیید می‌کند (طهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۲۹).

بررسی اعتبار زیارتنامه

۱. اعتباربخشی به زیارتنامه‌ها براساس نظر مؤلفان

زیارتنامه به عنوان یکی از انواع احادیث و روایات، طبق روال عالمان و حدیث‌پژوهان از نظر ماثور بودن و میزان اعتبار آن مورد توجه و واکاوی بوده است؛ به همین دلیل نویسندگان بزرگ کتاب‌های مزار و مصابیح بعضاً در ابتدای کتاب‌های خود به اعتبار آنچه ذکر کرده‌اند، تصریح کرده‌اند و این نشان از اهتمام آنها به نقل روایات ماثور و معتبر دارد.

شیخ صدوق در بخش زیارات کتاب *من لایحضره الفقیه*، اذعان می‌کند که سعی داشته است زیاراتی که از نظر وی صحیح‌ترین زیارت از طریق روایت است را در کتابش گردآوری کند: «وَقَدْ أَخْرَجْتُ فِي كِتَابِ الزِّيَارَاتِ وَفِي كِتَابِ مَقْتَلِ الْحُسَيْنِ أَنْوَاعاً مِنَ الزِّيَارَاتِ وَاخْتَرْتُ هَذِهِ لِهَذَا الْكِتَابِ لِأَنَّهَا أَصَحُّ الزِّيَارَاتِ عِنْدِي مِنْ طَرِيقِ الرَّوَايَةِ وَفِيهَا بَلَاغٌ وَكِفَايَةٌ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۹۸).

ابن قولویه در مقدمه کتابش تصریح می‌کند که تمام زیارات ماثور و منقول از ثقات را جمع کرده و رجال غریب و شاذ را از این انتخاب خارج کرده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۴).

ابن مشهدی در ابتدای کتابش (مزار کبیر) به نقل از روات ثقه تأکید می‌کند (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۷)، کفعمی هم بیان می‌کند آنچه در مصباحش آورده از کتبی که به صحت آنها اعتماد داشته جمع‌آوری کرده است (کفعمی، ۱۴۰۵ق، ص ۴).

مجلسی در این باره، در آغاز *تحفته الزائر*، می‌نویسد:

زیارات منقوله بسیار از ائمه اطهار علیهم‌السلام به نظر این قاصر رسیده بود، که با وجود آنها به زیارات مؤلفه علما احتیاج نبود، بخواست رساله‌ای تألیف نماید که مقصور باشد بر ذکر زیارات و ادعیه و آدابی که به اسانید معتبره از ائمه دین - صلوات الله علیهم اجمعین - منقول گردیده است (مجلسی، ۱۳۸۶ش، ص ۴).
این تأکید بر بهره‌گیری از روایات معتبر در تألیف کتاب‌های زیارت، در تألیفات نویسندگان معاصر نیز وجود دارد.

شیخ عباس قمی در ابتدای *مفاتیح الجنان* بر مستند بودن ادعیه و زیارات مذکور در کتابش و همچنین اعتبار آنها تأکید می‌کند (قمی، ۱۳۸۸ش، ص ۳۵).
آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در ابتدای *مفاتیح نوین* خود می‌نویسد: «منابع و مدارک دعاها و زیارات با دقت تمام در پاورقی آمده است و در همه جا بر منابع قابل قبول تکیه شده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۸).

البته واضح و مبرهن است که ضرورت بررسی‌ها و اعتبارسنجی‌ها در خصوص سند هر کدام از زیارات به اندازه احادیث فقهی و اعتقادی نیست؛ هرچند در کتاب‌های معروف و معتبر حاوی زیارات، سعی شده از منابع معتبر نقل روایت شود و دقت کافی در این زمینه انجام شود. این موضوع با نگاهی به این کتاب‌ها و مشاهده تأکید آنها بر سندیت زیارات منقول بیشتر مشخص می‌شود تا جایی که در مزارهایی مانند *کامل الزیارات*، *مزار شیخ مفید* و ابن مشهدی به ذکر سلسله‌سند قبل از ذکر زیارت‌ها پرداخته می‌شود یا در بعضی از کتاب‌های حدیثی و مزارات، قبل از ذکر برخی زیارات به‌طور ویژه به اعتبار سندی آنها پرداخته شده است؛ مثلاً علامه مجلسی در بعضی از کتاب‌های خود

(مانند تحفة الزائر و ملاذ الاخبار) در بسیاری موارد به درجه ارزش سند آنها (از قبیل صحیح، حسن، موثق، قوی، معتبر و ضعیف) اشاره می‌کند.

با این وصف زیارات منقول در کتاب‌های مذکور و از جمله زیارت امام رضا علیه السلام که دارای مؤلفانی موثق و قابل اعتماد هستند، بنا به شهادت مؤلفان آنها، دارای اعتبار فراوانی بوده و قابلیت اتکا و شمولیت در احادیث مأثوره را دارد. ضمن اینکه درج این زیارتنامه در دو کتاب از کتب اربعه شیعه (من لایحضره الفقیه و تهذیب) با توجه به جایگاه والای آنها در حدیث شیعی، خود دلیلی مضاعف بر اعتبار این زیارتنامه است.

۲. دیدگاه عالمان و بزرگان

برخی از مؤلفان کتاب‌های زیارت با تأمل ویژه در وضعیت سندی زیارتنامه امام رضا علیه السلام، دیدگاه خود را در رابطه با آن بیان کرده‌اند. می‌توان دیدگاه‌های آنها در این رابطه را در دو دسته کلی تقسیم کرد، البته هر دو دسته در نهایت به مآثور بودن این زیارت اعتراف می‌کنند:

الف) دسته‌ای از مؤلفان، این زیارت را تألیف عالمان و بالخصوص ابن ولید می‌دانند، ولی تأکید می‌کنند با توجه به تقیدات این عالمان به نقل از معصوم علیه السلام و با توجه به شباهت برخی قسمت‌های این زیارت به بقیه زیارات مآثور، گمان می‌رود این زیارت براساس برخی زیارات منقول از ائمه هدی علیهم السلام و با ترکیب بخش‌های گوناگون زیارات دیگر درست شده باشد ولی نهایتاً کلمات زیارت، خارج از کلام معصوم علیه السلام نخواهد شد. محمدتقی مجلسی در این خصوص می‌نویسد:

بدان که این زیارت را ابن ولید، که استاد شیخ صدوق است، در کتاب جامع ذکر کرده است؛ با زیارات بسیاری که بعضی از آن گذشت و بعضی را شیخ مفید و شیخ طوسی و محمد بن احمد بن داوود و ابن قولویه در کتب زیارات ذکر کرده‌اند و اصحاب نیز متابعت ایشان کرده‌اند و بعضی از این روایات را

با سند ذکر کرده است و بعضی را سند ذکر نکرده است و ظاهراً امثال این خبر که بی سند، مذکور است تألیف اوست که از روایات متفرقه جمع کرده است و چون قدما از ارباب نصوص‌اند، ظاهر آن است که از ائمه هدی صلوات الله علیهم شنیده باشند هر جزئی را از بعضی و بر همه صادق است که از ایشان منقول است، خصوصاً در مستحبات و خصوصاً از ابن ولید که در جلالت قدر به مرتبه‌ای است که صدوق با آنکه متبع فحول علماست، تابع اوست و کلام او را نص معصوم دانسته است و به همه عمل نموده است مگر نادری؛ و صدوق در عیون ذکر کرده است در اواخر آن در باب زیارت قبر حضرت امام ابی‌الحسن الرضا صلوات الله علیه در طوس که شیخ ما محمد بن الحسن رضی الله عنه ذکر کرده است که هرگاه خواهی که زیارت کنی قبر حضرت امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه را در طوس، پس چون خواهی که از خانه بیرون روی غسل زیارت بکن. و در زیارت حضرت امام حسین صلوات الله علیه مذکور شد که ابوبصیر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که در وقت بیرون رفتن از خانه و شهر خود غسل بکنند و در وقت زیارت نیز غسل کند، و محتمل است که ابن ولید از این حدیث فهمیده باشد که غسل بیرون رفتن از جهت همه زیارات مستحب باشد و لیکن مستبعد است از قوانین قدما که به امثال این استنباطات در احکام الهی عمل نمایند. پس اظهر آن است که حدیثی بر سیل عموم یا خصوص این زیارت دیده باشد (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۶۴۴).

ب) برخی عالمان تأکید دارند که این زیارت به نقل از امام علیه السلام است؛ بنابراین مآثور محسوب می‌شود. علامه محمدباقر مجلسی در این خصوص آورده است: «و زیارت مشهور آن حضرت، زیارتی است که در کتب معتبره مذکور است و به محمد بن الحسن بن الولید علیه السلام منسوب گردانیده‌اند. و از مزار ابن قولویه علیه السلام معلوم می‌شود که از ائمه علیهم السلام مروی بوده باشد» (مجلسی،

۱۳۸۶ش، ص ۵۱۶). شیخ عباس قمی نیز بر این نکته تأکید دارد (قمی، ۱۳۸۸ش، ص ۸۱۳). آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در این رابطه می‌نویسد:

زیارت اول زیارت مشهور آن جناب است که در کتب معتبری مانند کامل الزیارات و عیون اخبار الرضا و مصباح الزائر نقل شده و از عبارت کامل الزیارات به دست می‌آید که این زیارت از یکی از ائمه علیهم‌السلام روایت شده است.

۳. بررسی شمولیت زیارتنامه در عداد احادیث معتبر

با توجه به برخی توضیحات نقل‌شده از مؤلفان مزارات و نیز برخی سهل‌انگاری‌ها در نقل روایات زیارات - که در بخش تعریف زیارات مأثور به آنها اشاره شد، مانند آنچه در نقل زیارت امام رضا علیه‌السلام ذکر شد - شاید بتوان بسیاری از زیارتنامه‌ها را از نوع احادیث «معتبر» قلمداد کرد؛ چراکه بسیاری از زیارات، در کتاب‌های حدیثی و کتاب‌های خاص زیارت و دعا به طور مشابه ذکر شده است؛ ولی در برخی موارد مانند مثال مذکور، سلسله‌سند ایراد دارد، اما به دلیل شهرت روایی یا اعتماد به منبع روایی، مقبول واقع شده است. هرچند زیارتنامه‌های مشهوری که در آن مناقشه شده است (مانند زیارت جامعه یا زیارت عاشورا) به‌طور ویژه از لحاظ اعتبار سندی و محتوایی واکاوی شده‌اند.

مامقانی در تعریف حدیث معتبر می‌گوید:

حدیث معتبر حدیثی است که همه یا بیشتر به آن عمل کرده‌اند یا به معتبر بودن آن به واسطه اجتهاد صحیح یا وثاقت یا حسن بودن آن اقامه دلیل کرده‌اند؛ که با توجه به این تفسیر، حدیث معتبر اعم از حدیث مقبول و قوی می‌شود.

وی در ادامه، «حدیث مقبول» را حدیثی می‌داند که بدون توجه به صحت یا عدم آن، تلقی به قبول شده و به مضمون آن عمل کرده باشند (مامقانی، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۲۱۶) و «حدیث قوی» را حدیثی معرفی می‌کند که راوی آن امامی مذهب و در مدح و ذم آن چیزی نرسیده باشد (همان، ج ۱، ص ۱۴۱). شیخ بهایی درباره حدیث معتبر می‌نویسد: «مراد از معتبر آن است که حکم

رجالش مانند رجال احادیث صحیح می‌شود؛ هرچند به توثیق آن تصریح نشده باشد» (بهائی، ۱۳۷۲ش، ص ۲۵).

شهید ثانی در جایی «مقبول» را به آنچه نزد جمهور به آن عمل شده و اکثراً آن را صحیح انگاشته‌اند دانسته است (شهید ثانی، ۱۳۶۷، ص ۷۱) و در جایی دیگر آن را حدیثی معرفی می‌کند که تلقی به قبول شده و به مضمون آن عمل شده است؛ بنابراین این نوع حدیث از اقسام مشترک بین صحیح و غیر آن محسوب شده و ممکن است مشمول حدیث ضعیف نیز بشود (همو، ۱۴۰۲ق، ص ۱۳۳).

همین‌طور که دیده می‌شود به صراحت می‌توان بسیاری از زیارتنامه‌ها، از جمله زیارت امام رضا علیه السلام که در منابع متقدم و متأخر بارها تکرار و تأیید شده است، را از نوع حدیث «معتبر» دانست؛ چنانکه اگر بنا بر قواعد رجالی یا ایراد در سند، زیارت در شمول تعریف حدیث ضعیف قرار گرفت، باز هم اگر تلقی به قبول شده باشد جزء احادیث معتبر قرار می‌گیرد؛ همان‌طور که زیارتنامه حضرت رضا علیه السلام را می‌توان با توجه به عدم اسناد آن به امام معصوم علیه السلام در رأس سندش، از لحاظ قواعد حدیثی، از انواع احادیث ضعیف و از نوع موقوف^۱ محسوب کرد. ولی با توجه به آنچه در سطور گذشته ذکر شد، به لحاظ شهرت روایی و تلقی به قبول شدن آن توسط بسیاری از عالمان و مؤلفان کتاب‌های حدیثی و زیارت، در عداد «حدیث معتبر» قرار می‌گیرد.

ع. بررسی شمولیت زیارتنامه در قاعده «تسامح در ادله سنن»

به موضوع اعتبار زیارتنامه‌ها می‌توان از بعد دیگری هم توجه کرد. برخی عالمان بیان می‌کنند که همان‌گونه که درباره احادیث فقهی (وجوب و حرمت) و احادیث اعتقادی نیاز به اتقان سندی است، در رابطه با احادیثی که مبتنی بر مستحبات بوده و ثواب‌محورند نیازی به دقت در سند آنها نیست.

۱. مامقانی حدیث موقوف را حدیثی می‌داند که از مصاحب یا غیر مصاحب معصوم علیه السلام بدون اتصال سند به معصوم علیه السلام نقل شده باشد (مامقانی، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۲۴۶).

این نوع تسامح درباره مستحبات، در اصطلاحات فقهی متأخران به «تسامح در ادله سنن» مشهور شده است و این اصطلاح یعنی تسامح در اسناد روایاتی که درباره آداب و اعمال مستحبی هستند. در این نگاه همان‌گونه که در واجبات و محرمات لازم است راویان موثق باشند و پذیرش روایت برابر شرایط درست خیر انجام شود، در پذیرش روایاتی که احکام و آداب مستحبی را بیان می‌کنند، لزومی به سخت‌گیری نیست و اگر روایت ضعیفی در این باره رسیده باشد برابر آن می‌توان فتوا داد. شیخ انصاری این اصطلاح را عدم اعتبار آنچه به عنوان شرایط عمل به خیر واحد، ذکر شده است - مانند عدالت، اسلام، فراموش‌کار نبودن و ضابط بودن در نقل روایات دال بر سنن - تعریف می‌کند (انصاری، ۱۳۷۲ش، ص ۱۳۷).

زیارتنامه‌ها و از جمله زیارت شریف امام رضا (ع) نیز در شمار این‌گونه احادیث محسوب شده و قاعداً تسامح در سند آنها رواست. شهید اول در رابطه با این دسته احادیث عنوان می‌کند که اهل علم درباره احادیث فضائل (با توجه به ضعف حدیث) با تسامح برخورد می‌کنند (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ص ۶۸). ابن شعبه حرانی هم تلویحاً ذکر سند برای احادیث مرتبط با آداب را ضروری نمی‌داند (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ش، ص ۴). سیدمحمد طباطبایی در *مفاتیح الاصول* نقل روایات ضعیف در مقام وضع، داستان و اندرز را جایز می‌داند؛ مانند نقل روایات در رابطه با سوگواری سیدالشهدا (ع) و گریه در این باب، البته به شرطی که کذبی بر آن دانسته نشده باشد (طباطبایی، ۱۲۹۶ق، ص ۳۵۰). آقا حسین خوانساری اکتفا به ادله ضعیف درباره مستحبات را مشهور بین علما می‌داند (خوانساری، بی‌تا، ص ۳۴). ابن فهد حلی با ذکر سه روایت زیر، که به احادیث «من بلغ» مشهورند، آسان‌گیری در نقل روایات مشتمل بر مستحبات و ثواب‌ها را اجماع فریقین عنوان می‌کند:

- وَ رَوَى أَيْضاً بِإِسْنَادِهِ إِلَى صَفْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّ مَنْ بَلَغَهُ شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ فَعَمِلَ بِهِ كَانَ لَهُ أَجْرُ ذَلِكَ وَإِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ لَمْ يَقُلْهُ.

- وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَرَ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَنْ سَمِعَ شَيْئًا مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ فَصَنَعَهُ كَانَ لَهُ أَجْرُهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى مَا بَلَغَهُ.

- وَ مِنْ طَرِيقِ الْعَامَّةِ مَا رَوَاهُ عَبْدُ الرَّحْمَنِ الْحُلَوَانُ مَرْفُوعاً إِلَى جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَنْ بَلَغَهُ عَنِ اللَّهِ فَضِيلَةٌ فَأَخَذَهَا وَ عَمَلَ بِهَا فِيهَا إِيثَانًا بِاللَّهِ وَ رَجَاءً ثَوَابِهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ (ابن فهد حلی، ۱۳۶۸ش، ص ۱۳).

از صفوان از امام صادق عليه السلام چنین نقل شده که هر کس به او برسد که انجام عملی خیر و خوب است و فرد بر این اساس به انجام آن عمل اقدام کند، اجر و پاداش عمل را داراست هر چند رسول خدا آن را نفرموده باشد.

و نیز هشام بن سالم از امام صادق عليه السلام چنین نقل می کند که حضرت فرمودند: کسی که ثواب داشتن انجام عملی را بشنود و آن عمل را انجام دهد، اجر و پاداش آن عمل به او داده می شود هر چند واقع بر اساس آنچه به او رسیده نباشد.

و نیز جابر بن عبدالله انصاری چنین نقل کرده که پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: هر کس از طرف خدا فضیلتی به او برسد و آن را انجام دهد از این جهت که به خدا ایمان داشته و به رسیدن به ثواب او امیدوار است، خداوند آن ثواب و فضیلت را به او بدهد هر چند در واقع چنین نباشد.

شیخ حر عاملی نیز با آوردن ۹ روایت در این خصوص در بابی با عنوان «استحباب الاتیان بکل عمل مشروع روی له ثواب منهم» عملاً این موضوع را تأیید کرده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۸۰).

۵. فصاحت، بلاغت و قوت متن زیارات

اهل بیت عليهم السلام به عنوان یکی از دو ثقل گرانبهای امانت نبی اکرم صلى الله عليه وآله و به عنوان قرآن ناطق، همواره امیران کلام بوده اند. کلام آنها پر معنا و نغز، و در معنا و فصاحت و بلاغت بعد از قرآن کریم قرار گرفته اند. رسول خدا صلى الله عليه وآله خود را افسح

عرب معرفی کرده (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۸۷) و امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز اهل بیت علیهم السلام را فرمانروایان کلام عنوان کرده‌اند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۷۸). آورده‌اند کسی از خدمت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نزد معاویه رفت و گفت:

از پیش عاجزترین مردم در کلام آمده‌ام. گفت: وای بر تو، او را عاجز می‌گویی! والله که راه فصاحت و بلاغت را بر قریش کسی غیر او نگشوده و قانون سخنوری را سوی او کسی تعلیم ننموده است» (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۶ش، ص ۱۰).

عالمان نیز اهل بیت علیهم السلام را منبع و اصل فصاحت معرفی کرده و کلام آنها را فراتر از کلام مخلوق و فروتر از کلام خالق می‌دانند (حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۶۰). با این اوصاف هر روایتی که به اهل بیت علیهم السلام منسوب می‌شود را می‌توان از دیدگاه علو مضمون و قوت متن، و نیز از لحاظ فصاحت و بلاغت به آن توجه کرد؛ بنابراین ممکن است مضمون حدیث چنان بلند باشد که صدور آن از غیر معصوم، ناممکن شمرده شود؛ چنانکه بهترین دلیل بر قطعی الصدور بودن قرآن، همان علو مضمون و اعجاز معنوی آن است. روایات که مرتبه نازل قرآن هستند، از نور و بلندی مضمون برخوردارند؛ همچنانکه ابن ابی‌الحدید، نهج البلاغه را به دلیل قرائن مضمونی، مسلم الصدور می‌شناسد و اهل تردید را نکوهش می‌کند؛ به عبارت دیگر از جمال گفتار و آثار پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان مکریشان نیز می‌توان به اعتبار صدور آنها پی برد (ایزدینا، ۱۳۷۶ش، ص ۷-۲۹).

به زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم السلام نیز می‌توان از منظر قوت متنی و تعالی مضمون نگریست. فصاحت و بلاغت کلام را نیز می‌توان در زیارتنامه‌ها مشاهده کرد؛ بنابراین این ظرافت‌ها و علو مضمون را می‌توان شاخصی برای تأیید یک زیارت و اعتباربخشی به آن تلقی کرد. برخی عالمان زیاراتی مانند زیارت عاشورا، زیارت جامعه کبیره، زیارت ناحیه مقدسه و... را بی‌نیاز از تفحص اسنادی به دلیل شهرت زیاد دانسته‌اند و دامنه اعتبار و قوت آنها را تا آنجا می‌دانند که جزئی از شعار و اعتقادات تشیع درآمده‌اند (تبریزی، ۱۳۹۰ش، ص ۲۴).

شیخ طوسی در کتاب *عدة الاصول* و شیخ انصاری در *فرائد الاصول* نیز شیوه اعتباربخشی به حدیث با مضمون مقبول و محتوای همخوان با سایر روایات (و همراه بودن با قرینه‌های دیگر) ولی بدون داشتن سند استوار و معتبر را در پیش گرفته‌اند؛ بنابراین در پرتو این روش می‌توان به بسیاری از احادیث غیر فقهی، به شرط همخوانی با قرآن و عقل عمل کرد (مسعودی، ۱۳۸۷ش، ص ۵۸).

آیت‌الله جوادی آملی در این رابطه بیان می‌کند که برای اطمینان به صدور حدیث از معصوم علیه السلام از هر راهی که این اطمینان حاصل شود کفایت می‌کند؛ خواه به عدالت راوی باشد یا به وثاقت وی، به علو متن روایت باشد، یا به عمل کردن فقها به متن و اسناد به آن در مقام استدلال یا هر راه دیگر؛ بنابراین تصریح کرده‌اند که اگر متن روایت به گونه‌ای بود که صدور آن از غیر معصوم ممکن نبود، اطمینان حاصل می‌شود و می‌توان به صدور آن از حجت بالغه الهی مطمئن شد (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۸۷-۸۸).

متأسفانه به جز چند زیارتنامه مشهور بقیه زیارات چندان شرح و تفسیر و بررسی نشده‌اند. زیارت جامعه کبیره نمونه‌ای کارشده در این رابطه است. متن و محتوای این زیارت به قدری قوی و هماهنگ با قرآن و سایر سخنان اهل بیت علیهم السلام است که شماری از عالمان آن را به این دلیل، صحیح و استناد آن را به معصوم، قطعی می‌دانند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹ش، ص ۲۸).
با نگاهی به متن زیارت امام رضا علیه السلام، که متأسفانه آنچنان واکاوی متنی نشده است، می‌توان به وضوح به نورانی بودن و متعالی بودن کلام در آن اذعان کرد و این قوت متن می‌تواند شاهدهی باشد بر موثق بودن متن.

نتیجه‌گیری

زیارت‌نامه‌های مأثور و از جمله زیارت امام رضا علیه السلام در قامت بخشی از میراث حدیثی در کتاب‌های حدیثی و معرفتی در کنار بقیه احادیث، از جایگاه

والا و مهمی برخوردار است و به عنوان درگاه ارتباط عاطفی بین امام و مأموم و خاستگاه راز و نیاز با امام و شفاعت‌خواهی و واسطه‌خواهی از ایشان و همچنین منبعی سرشار از آموزه‌های معرفتی در جنبه‌های گوناگون اعتقادی و اخلاقی شناخته می‌شود. با این وصف به لحاظ غیر فقهی بودن این نوع حدیث، به جایگاه و اعتبار حدیثی آن کمتر توجه شده است.

با مراجعه به متون حدیثی و با توجه به قواعد حدیثی می‌توان زیارتنامه امام رضا (ع) - که در کتاب‌های متعدد درج شده و عالمان و محدثان آن را تأیید کرده‌اند - را در شمول احادیث معتبر و قابل قبول به حساب آورد و بر محتوای آن اعتماد کرد.

دیدگاه مؤلفان بر اعتبار و ماثور بودن زیارت امام رضا (ع)، تأکید مؤلفان کتب زیارات یا حاوی زیارات بر استفاده از منابع معتبر، شهرت روایی و تلقی به قبول شدن طی قرون، از عواملی است که می‌توان زیارتنامه آن حضرت را معتبر دانست. برخی بررسی‌های سندی و رجالی، درج در کتب اربعه حدیث، دأب علما بر تسامح در ادله سنن و بالأخره علو مضمون و قوت متن، از دیگر دلایلی است که می‌توان بر اعتبار حدیثی این زیارتنامه اقامه کرد؛ بنابراین به راحتی می‌توان به این زیارت و البته طبق این استدلال‌ها، اکثر زیارتنامه‌هایی که در کتب معتبر حدیثی و مزارات معتبر درج شده‌اند و بر تلاش‌های مؤلفان آنها در درج زیارات مقبول، اعتماد و بر ماثور بودن آنها استناد کرد.

منابع

قرآن کریم

۱. آقابزرگ طهرانی، محمد محسن (۱۴۰۸ق)، **الدَّریعة إلی تصانیف الشیعة**، قم، اسماعیلیان.
۲. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین (۱۳۶۶ش)، **شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم**، تهران، دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳ش)، **تحف العقول عن آل الرسول**، قم، انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ق)، **اقبال الاعمال**، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ دوم.
۵. ابن عرفه، محمد بن محمد (۲۰۰۸م)، **تفسیر ابن عرفه**، لبنان، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۶. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (۱۳۶۸ش)، **عدة الداعی و نجاح الساعی**، تهران، دارالکتب الاسلامی.

۷. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش)، **کامل الزیارات**، نجف اشرف، دارالمرتضویة.
۸. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق)، **المزار الکبیر**، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، لبنان، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ سوم.
۱۰. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۳۷۲ش)، **رسائل فقهیة**، قم، کنگره جهانی بزرگداشت دو یستمین سالگرد تولد شیخ انصاری.
۱۱. ایزدپناه، عباس (۱۳۷۶ش)، «اسباب صدور حدیث»، **علوم حدیث**، شماره ۴، ص ۷-۲۹.
۱۲. بهائی، محمد بن حسین (۱۳۷۲ش)، **مشرق الشمسین واکسیر السعادتین**، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
۱۳. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، **غرر الحکم و درر الکلم**، قم، دارالکتب الإسلامی، چاپ دوم.

۱۴. جوادى آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش)، ادب فنای مقربان، قم، اسراء، چاپ هفتم.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت علیہ السلام.
۱۶. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق)، كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، تهران، وزارت ارشاد.
۱۷. خوانساری، حسین بن جمال الدین (بی تا)، مشارق الشمس في شرح الدروس، بی جا، مؤسسه آل البيت علیہ السلام لاحیاء التراث.
۱۸. خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۰۹ق)، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، قم، دفتر آية الله العظمی الخوئی، چاپ چهارم.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالشامیة.
۲۰. ربانی، محمدحسن (۱۳۹۰ش)، دانش درایة الحديث همراه با نمونه های حدیثی و فقهی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ هفتم.
۲۱. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۹ق)، ذکرى الشيعة فى أحكام الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت علیہ السلام.
۲۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۰۲ق)، شرح البداية فى علم الدراية، تهران، مسجد جامع تهران.
۲۳. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا يحضره الفقيه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
۲۴. ——— (۱۳۷۸ق)، عیون أخبارالرضا، تهران، نشر جهان.
۲۵. طباطبایى، سیدمحمد بن سیدعلی (۱۲۹۶ق)، مفاتيح الاصول، قم، مؤسسه آل البيت علیہ السلام لاحیاء التراث، چاپ دوم.
۲۶. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرين، تهران، مرتضوی، چاپ سوم.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، مصباح المتهجد و سلاح المتعبّد، لبنان، بیروت، مؤسسه فقه الشیعة.
۲۸. ——— (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحكام، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
۲۹. ——— (۱۴۱۳ق)، التبیان فى تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء

التراث العربى.

٣٠. _____ (١٤١٧ق).

الفهرست، قم، مؤسسة نشر الفقاهة.

٣١. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله

(١٣٧٣ش)، كنز العرفان فى فقه

القرآن، تهران، مرتضوى.

٣٢. فراهيدى، خليل بن أحمد

(١٤٠٩ق)، كتاب العين، قم، نشر

هجرت، چاپ دوم.

٣٣. فيومى، احمد بن محمد

(١٤١٤ق)، المصباح المنير فى

غريب الشرح الكبير، قم، مؤسسه

دارالهجرة، چاپ دوم.

٣٤. قرطبى، محمد بن احمد

(١٣٦٤ش)، الجامع لأحكام القرآن،

تهران، ناصر خسرو.

٣٥. قسطلانى، احمد بن محمد

(١٤٢٥ق)، المواهب اللدنية بالمنح

المحمدية، لبنان، مكتب الاسلامى،

چاپ دوم.

٣٦. قمى، عباس (١٣٨٨ش)، كليات

مفاتيح الجنان، قم، انتشارات آيين

دانش، چاپ سيزدهم.

٣٧. كفعمى، ابراهيم بن على

(١٤٠٥ق)، المصباح للكفعمى

(جنة الأمان الواقية)، قم،

دارالرضى، چاپ دوم.

٣٨. كريمى، حسين (١٣٨٧ش)،

اعتبار زيارت عاشورا و رفع برخى

از شبهات، قم، مركز فقهى ائمه

اطهار عليه السلام.

٣٩. كلينى، محمد بن يعقوب

(١٤٣٠ق)، الكافى، قم، دارالحدیث.

٤٠. مامقانى، عبدالله (١٣٨٥ش)،

مقباس الهداية فى علم الدراية،

تهران، انتشارات دليل ما.

٤١. مجلسى، محمدباقر بن

محمدتقى (١٣٨٦ش) تحفة الزائر،

قم، مؤسسه پیام امام هادى عليه السلام.

٤٢. _____ (١٤٠٦ق)، ملاذ

الأخيار فى فهم تهذيب الأخبار،

قم، كتابخانه آية الله مرعشى نجفى.

٤٣. _____ (١٤٢٣ق)،

زاد المعاد، لبنان، بيروت، مؤسسة

الأعلمى للمطبوعات.

٤٤. مجلسى، محمدتقى بن

مقصود على (١٤١٤ق)، لوامع

صاحبقرانى مشهور به شرح فقيه،

قم، اسماعيليان، چاپ دوم.

٤٥. _____ (١٤٠٦ق)، روضة

المتقين فى شرح من لا يحضره

الفقيه، قم، مؤسسه فرهنگى اسلامى

- کوشانبور، چاپ دوم.
۴۶. محدثی، جواد (۱۳۹۰ش)، فرهنگ‌نامه زیارت، تهران، مشعر.
۴۷. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۹ش)، شرح زیارت جامعه کبیره یا تفسیر قرآن ناطق، قم، دارالحديث.
۴۸. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۷ش)، روش فهم حدیث، تهران، سمت، چاپ چهارم.
۴۹. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الإختصاص، قم، المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷ش)، کلیات مفاتیح نوین، قم، انتشارات امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام، چاپ دوم.
۵۱. ——— (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ دهم.
۵۲. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق)، رجال النجاشی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۵۳. واعظ جوادی، مرتضی (۱۳۸۸ش)، فلسفه زیارت، قم، اسراء، چاپ پنجم.